



<http://www.arianaafghanistan.com>



۲۰۱۶/۰۹/۱۴

م. اسحاق نگارگر

گر مسلمانی همین است که حافظ دارد وای اگر از پی امروز بُود فردایی

تبصره:

من این یادداشت را در چهاردهم سپتامبر ۲۰۱۴ یعنی دو سال پیش در همین شهر نوشته بودم. امروز سومین روز عید به پایان رسید. دیروز دوستی حکایت می کرد که خود پولی برای قربانی نداشت و قصد هم نداشت که قربانی کند ولی دوستی او را به بازار می برد و گوسفندی برایش می خرد تا قربانی کند و به اصطلاح از سیال و شریک عقب نماند. در این چند روز شهر مزار شریف تا گلو در مدفوع گوسفند؛ بُز و گوساله غرق بود و گدایان سامره شهر که دروازه های مردم را که اتفاقاً فلزی هم است مانند دهلی که صدای بسیار خشن داشته باشد با مشتی می کوفتند و تقاضای گوشت قربانی داشتند و چون در جوی های پیش روی دروازه ها خون حیوانات بی دفاع بر کثافت های موجود در جوی افزوده بود گدایان سامره آن را بر روی کسانی که راست یا دروغ می گفتند قربانی نکرده ایم می آوردند و می گفتند قربانی کرده اید ولی از ما دریغ می نمایید. من که بدبختانه از حکمت قربانی در عصر ابراهیم (ع) آگاه استم و قربانی در آن روزگار معنایش این بود که فرزند را وقف خدمت خدا می کردند و در معبد به خدمت می گماشتند خدای بزرگ در کلام خویش به تعبیر نادرست رؤیایش اشاره می کند و گوسفند را به عنوان سمبول خودی انسان برایش می فرستد تا قربانی کند ولی ما امروز به صورت افراطی خون حیوانات بیچاره را می ریزیم و خانه به خانه می گردیم و آیه کُلا واشربوا را عملاً به کُلا تا گلو بدل کرده ایم و برای گدا های نیازمند می گوییم: برو گم شو قربانی نکرده ایم ولی خود بساط کباب گسترده ایم تا نفس های اماره را خوب تر بپروریم. آیا وقت آن نرسیده است که دولت در یکی دو شهر عمده دو سه مسلخ مجهز اعمار نماید و بُز؛ گوسفند و گوساله ها را به شیوه صحی حلال کند و گوشت را به مشتری های خود برساند که این چنین نفس پروری ناگزیر شیطان سرکش شهوت طاعی را پرورش می دهد و سبب تجاوز های جنسی بر زنان می شود و من به این نکته دیگر اشاره نمی کنم که تمام زحمات مهمان داری های عید بر دوش زنان است و مردان فقط بالا می نشینند و خوش می پوشند و خوش می خورند ولی زنان قربانی صد گونه بی عدالتی می شوند. نگارگر ۱۴ سپتامبر ۲۰۱۶ نگارگر شهر مزار شریف.

*** **

گر مسلمانی همین است که حافظ دارد وای اگر از پی امروز بُود فردایی

تجاوز بر زنان در راه پغمان و باز دو قضیه زنا با محارم یعنی تجاوز دو پدر بر دو دختر کاریست که استخوان های اجداد واقعاً مسلمان ما را در گور می لرزاند. ما هر چه اسلام اسلام بگوییم ولی با اعمال شنیع خود روی شیطان را سپید کنیم این ریا کاری به عادت ما بدل خواهد شد و ما را رسوا تر از آنچه استیم خواهد ساخت. نمی دانم در کجا

خوانده ام که مسلمانی با ظاهر آراسته همسایه مردی یهودی بود و هر روز همسایه یهودی خود را نیش زبان میزد که چرا مسلمان نمی شود مرد که از نیش زبان او به تنگ آمده بود روزی برایش گفت:

"این مسلمانی که تو داری به درد دین و دنیای من نمی خورد ولی آن مسلمانی که بایزید بسطامی دارد نه از دست تو بر می آید و نه از دست من".

در تاریخ اسلام دو منافق معروف یعنی عبدالله بن ابی و عبدالله بن سبا به صورت افراطی و بسیار بیشتر از دیگران اسلام اسلام می گفتند ولی عمل شان خلاف آنچه را می گفتند نشان میداد. مثل اینکه امروز بسیاری از مدعیان مسلمانی شیوه خوارج را از خود کرده اند. آنان نیز ابن خباب را به جرم اینکه حضرت علی کرم الله وجهه را لعن نمی کرد می گشتند ولی میوه باغبانی را مفت قبول نمی کردند و آن باغبان که از عمل شان تعجب کرده بود گفت:

"شما که برای هیچ قتل نفس می کنید چه غم قیمت میوه باغ مرا دارید؟ ما زن ستیزی های شیطانی خود را که هیچ ربطی به اسلام ندارد چنان جامه دین پوشانده ایم که می پنداریم زن تنها برای همان یک چیز یعنی اطفای شهوتی که در وجود ما طغیان کرده است به درد می خورد و بنا بر این نه از خود غرور دارد و نه از خود شخصیت دارد و هر طور که ما خواستیم از این بازیچه یا لعبتک خود استفاده می کنیم و چون امروز هر چیز حرام برای ما شیرین تر از حلال است و به اصطلاح معروف قند دزدی در دهان ما همیشه شیرین تر است پس اگر پشت سر زن معشوقه های جداگانه را به عنوان قند دزدی از خود کردیم پروا ندارد زیرا ما که بی پروا ناموس دیگران را ملعبه ساختیم پروا ندارد اما اگر دیگران ناموس ما را دزدیدند آن وقت است که رشته زندگانی زن را با تیغ جفا قطع می کنیم.

برخی از عالمان ظاهر بین به ما گفته اند که هر گناهی کردی خیر است اما نماز خود را بخوان و در نتیجه ما نماز را پرده ساتر ریا کاری های خود ساخته ایم ولی هرگز نفهمیده ایم که با برگ انجیری از این دست نمی توانیم ستر عورت کنیم که بر صیصای عابد از این گونه عبادت بسیار کرده بود. شاید بیدل حق داشت که می گفت:

"بیدل" امروز در مسلمانان

همه چیز است لیک ایمان نیست

من از این گونه مسلمانی و مردانگی در برابر تمام زنان جهان احساس سرافکندگی و شرمندگی میکنم و با چشمان اشک آلود به همه زنان می گویم که هیچ گونه عذرخواهی نمی تواند این گونه گناه را که پدری ناموس جگر گوشه خود را بر باید تلافی کند. اگر اسلام بایزید از دست ما پوره نیست کم از کم نام حضرت محمد (ص) را به گل نیالاییم.

این کافی نیست که بگوییم: "آنچه ما می کنیم در اصل اسلام نیست" که پیامبر اسلام برای تکمیل مکارم اخلاق مبعوث شده است و اگر ما اخلاق را به لجن می کشیم حق نداریم خود را به او منسوب کنیم. والله اعلم بالصواب ۱۴ آگست ۲۰۱۴ مطابق ۲۳ سنبله ۱۳۹۳ شهر مزار شریف. نگارگر